

شرطیت طهارت در طواف از منظر امامیه و مقایسه آن با فقه مذاهب اربعه

محمدرضا کاظمی گلوردی^۱ سمیه صادقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲

چکیده

یکی از ارکان مناسک حج و عمره، طواف خانه کعبه و از موضوعات مطرح در طواف، طهارت است. طهارت، از شروط اختلافی فقههای مذاهب اسلامی بوده که در نظر مشهور، واجب و شرط صحت طواف و در دیدگاهی، مستحب و شرط کمال طواف است. با توجه به اهمیت این مسأله و از آنجا که به این موضوع به صورت تطبیقی پرداخته نشده است، نویسنده بر این هدف است که موضوع طهارت و احکام مربوط به آن را به شیوه اسنادی از منظر فقههای امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت بررسی کند. از جمله مسائل بررسی شده در مقاله، تکلیف بانوان حائض، نفساء، مستحاضه و کسی که به دلیلی، توان حفظ طهارت خویش را نداشته و باید به وظیفه مسلوس یا مبطلون عمل نموده یا نایب بگیرد، می باشد.

واژگان کلیدی: طواف، طهارت، فقه تطبیقی، مسلوس، مبطلون، حائض، نفساء، مستحاضه.

۱. استادیار فقه و اصول دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد / Mr_kazemigolvardi@yahoo.com

۲. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه بین المللی امام رضا (ع) (نویسنده مسئول) / sadeghisomayeh1397@gmail.com

* کاظمی گلوردی، محمدرضا و صادقی، سمیه. (۱۴۰۱). «شرطیت طهارت در طواف از منظر امامیه و مقایسه آن با فقه مذاهب اربعه»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۱، صص ۱۰۷-۱۳۸.

مقدمه

آیا طواف بیت الله الحرام همچون برخی از اعمال عبادی نیازمند طهارت است؟ آیا ایجاد حدث، موجب بطلان و قطع طواف می گردد؟ بی تردید پاسخ به این سؤالات و میزان اتفاق یا اختلاف فقها در این موضوع، نیازمند تأمل در کتب فقهی و بررسی آرای ایشان است.

گفتنی است طهارت از شروطی است که گاه جهت صحت اعمال عبادی همچون نماز، روزه، اعتکاف، نماز طواف بر مکلف واجب بوده و گاه جهت کمال اعمال عبادی همچون ورود به مشاهد مشرفه، تلاوت قرآن کریم و... مستحب است. خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم به موضوع طهارت اشاره نموده است. به طور نمونه در آیه ای می فرماید: «وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ» (بقره/۱۲۵) و در آیه ای دیگر: «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا» (مائده/۶) و نیز می فرماید: «وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ» (مدثر/۴) و... .

از آیات فوق به دست می آید که طهارت شامل طهارت مسجد از آلودگی ها، طهارت از حدث اکبر و طهارت لباس از نجاست است.

با مراجعه به مقالات تدوین شده در این موضوع چنین به دست می آید که کار پژوهشی تطبیقی بین فقه امامیه و مذاهب اربعه در زمینه شرطیت طهارت یا عدم آن صورت نگرفته و مقالاتی همچون "بررسی طواف زن حائض در فقه مقارن" نوشته مهدی عبادی، "شروط الطواف و وضعية المرأة الحائض في الحج" از شیخ محمد مکرکب اُبران فقط به یک جهت از موضوع پرداخته و مسائل گوناگون آن را مورد نظر قرار نداده است. همچنین در کتب فقهی، این امر با تجميع آرای فقهای مذاهب خمس به رشته تحریر درنیامده است. در این مقاله طهارت و مسائل آن در فقه امامیه و مذاهب اربعه مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. مفهوم «طهارت»

«طهارت» در لغت به معنای نظافت، نفی نجاست و آلودگی (سعدی ابوحیب، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۳۲؛ فیومی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۷۹) و در اصطلاح شرع به معنای استفاده از پاک کننده به همراه نیت و قصد است؛ و مراد از پاک کننده، چیزی است که خود پاک است و دیگری را نیز پاک می کند مانند آب، خاک و سایر مطهرات (امینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳).

طهارت بر دو نوع است: طهارت از حدث، طهارت از خبث.

طهارت از حدث به معنای وضو، غسل و تیمم بدل از آن هاست که بر دو قسم است: اول؛ طهارت از حدث اکبر به معنای غسل و تیمم بدل از آن. دوم؛ طهارت از حدث اصغر به معنای وضو و تیمم بدل از آن.

طهارت از خبث؛ یعنی پاک کردن بدن و لباس از آلودگی ها و نجاسات (امینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳).

۲. طهارت از حدث در طواف

طهارت در طواف، از موارد اختلافی فقهاست.

در نزد امامیه، شافعی و قولی از حنابله، طهارت از شرایط صحت طواف است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۳؛ حلبی، ۱۴۰۸، ص ۱۷۲؛ نووی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۸؛ ابن ضویان، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۶۳) برخلاف نظر مالکی و دیدگاهی از حنابله که طواف بدون طهارت را صحیح می دانند (مقدسی، بی تا، ج ۳، ص ۳۹۰؛ الآبی الازهری، بی تا، ص ۳۶۶؛ نمری قرطبی، بی تا، ج ۴، ص ۲۰۶). همچنین فقهای حنفیه، طهارت از حدث در حال طواف را شرط کمال طواف قلمداد می کنند (سمرقندی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۹۱؛ سرخسی، بی تا، ج ۴، ص ۳۸؛ انصاری خزرجی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۰۲).



بنا به قول صاحب جوهر از فقهای امامیه، اتفاق نظر فقها و روایات بر این دلالت دارند که طهارت شرط صحت طواف است (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۹، ص ۲۶۹). پس در صورتی که فرد بدون وضو طواف نماید و به شهر خویش بازگردد، بر اوست که در صورت امکان به مکه مکرمه رجوع نموده و طواف را اعاده نماید و در غیر این صورت نایب بگیرد تا طواف را اعاده کند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۳). لیکن در نظر اکثر فقها در طواف نافله، طهارت از حدث اصغر شرط صحت طواف نیست، بلکه فضیلت دارد (حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۸۰؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۱۰۷) و در نظری، طهارت در طواف نافله نیز شرط است (حلی، بی تا، ص ۱۹۵) و ورود به مسجد الحرام بر محدث اکبر حرام است (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۱۰۷).

در این خصوص روایاتی از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده که به این قرار است: در روایتی، زراره از امام باقر علیه السلام درباره مردی که بدون وضو طواف می کند، پرسید: آیا به این طواف، اعتنا می شود؟ حضرت فرمودند: «لا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۲۰).

شهید اول این حدیث را از حیث سند، موثق می داند (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۹۲) و علامه مجلسی آن را بنا بر نظر مشهور، ضعیف می داند (مجلسی، بی تا، ج ۱۸، ص ۴۴). در روایتی حسن بن محبوب از ابی حمزه از امام باقر علیه السلام می پرسد: آیا مناسک را می توان بدون وضو به جا آورد؟ حضرت فرمودند: «نعم، إلا الطَّوَّافُ بِالْبَيْتِ فَإِنَّ فِيهِ صَلَاةً»؛ بله، به جز طواف خانه که در آن نماز است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۲۰).

این روایت با سند ابن ابی عمیر از جمیل از حضرت صادق علیه السلام نیز وارد شده است (همان).

به فرموده علامه مجلسی، این روایت در سند اول، ضعیف و در سند دوم، حسن است (مجلسی، بی تا، ج ۱۸، ص ۴۴).

از ظاهر تعلیل به دست می‌آید وضو به خاطر نماز طواف است، مگر گفته شود نماز، جزئی از واجب است و به همین دلیل در طواف نیز طهارت شرط شده است و ممکن است طواف مشروط به نماز باشد و نماز مشروط به طهارت و از آنجا که جدایی بین طواف و نماز به واسطه طهارت، نیکو نیست، پس در طواف نیز طهارت شرط است (همان، ص ۴۵-۴۴).

معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: «لَا بَأْسَ بِأَنْ تَقْضِيَ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا عَلَى غَيْرِ وُضوءٍ إِلَّا الطَّوْفَ بِالْبَيْتِ وَالْوُضوءُ أَفْضَلُ»؛ اشکالی نیست که تمام مناسک غیر از طواف را بدون وضو انجام دهد و وضو برتر است (قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۹۹).

«و الوضوء أفضل»: به قرینه استثناء «الطواف» به این معناست که وضو در غیر از طواف، فضیلت دارد (همان) و بهتر است باقی مناسک عمره یا حج را نیز با طهارت به جا آورد، گرچه طهارت در طواف واجب است.

محمد بن مسلم از یکی از امامین صادقین علیه السلام از تکلیف شخصی که طواف واجب را بدون طهارت انجام داده، سؤال کرد. حضرت فرمودند: «يَتَوَضَّأُ وَيُعِيدُ طَوَافَهُ وَإِنْ كَانَ تَطَوُّعًا تَوَضَّأَ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ»؛ وضو می‌گیرد و طوافش را اعاده می‌کند و در طواف غیر واجب، وضو می‌گیرد و دو رکعت نماز طواف می‌خواند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۲۰).

این روایت از حیث سند، صحیح است (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۴۵). طبق این روایت به جهت این که طواف واجب مشروط به طهارت است، طواف واجب را پس از وضو اعاده می‌کند و طواف مستحب نیاز به اعاده ندارد.

همچنین در روایتی از علی بن جعفر نقل شده که از برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در خصوص حکم طواف شخصی که در حال جنب، طواف





نموده و در بین طواف متوجه عدم طهارت شده، سؤال نمود، حضرت فرمودند: «يَقْطَعُ طَوَافَهُ وَ لَا يَعْتَدُ بِشَيْءٍ مِّمَّا طَافَ»: طوافش را قطع می‌کند و به مقداری که طواف نموده اعتنا نمی‌کند (همان).

این حدیث از نظر سندی، صحیح است (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۴۵) و شیخ طوسی این اخبار را به دلیل حدیث محمد بن مسلم، حمل بر طواف فریضه می‌کند و بین حکم طواف فریضه و نافله، تفصیل قائل می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۱). در تأیید تفاوت حکم بین طواف فریضه و نافله، روایات دیگری به این شرح موجود است:

در روایت موثق، عیدین زراره به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: من طواف نافله را بدون وضو به جا آوردم. حضرت فرمودند: «تَوَضَّأَ وَ صَلَّى وَ إِن كُنْتَ مُتَعَمِّدًا»: وضو بگیر و نماز بگزار اگرچه (طواف بدون وضو) از روی عمد باشد (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۲).

حریز از امام صادق (علیه السلام) در مورد شخصی که طواف غیر واجب و دو رکعت نماز را بدون وضو گزارده، روایت می‌کند که فرمودند: «يُعِيدُ الرُّكْعَتَيْنِ وَ لَا يُعِيدُ الطَّوْفَ»: دو رکعت نماز را اعاده می‌کند و طواف را اعاده نمی‌کند (حرعاملی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۴۴۵).

حنفیه در این موضوع دارای سه دیدگاه است؛ در نظری، طهارت از حدث و جنابت در حال طواف، شرط کمال طواف است نه شرط جواز، بنابراین می‌توان بدون طهارت نیز طواف را به جا آورد (سمرقندی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۹۱).

در قول دیگر در صورتی که محدث، طواف نماید طوافش صحیح است. اما بهتر است آن را اعاده کند و اگر طواف را اعاده نکرد، قربانی نماید؛ زیرا مأمور به در نص قرآن کریم «وَلْيَطُوفُوا» طواف بوده که اسمی برای دوران حول خانه کعبه

است و این عمل از محدث و طاهر محقق می‌گردد. پس شرط طهارت، زیاده بر نص است که با خبر واحد و قیاس ثابت نمی‌شود و از طرف دیگر رکنیت، فقط با نص و وجوب با خبر واحد ثابت می‌شود. در این مورد نیز رکن بودن طواف با آیه قرآن و وجوب طهارت با خبر واحد اثبات گردیده که البته اثبات طهارت با خبر واحد فقط موجب عمل شده نه علم. از طرف دیگر در باب حج، قربانی جایگزین واجبات می‌شود و می‌توان در زمانی که طواف را در حال حدث انجام داده، قربانی را جبران‌کننده این نقص نماید (سرخسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۸؛ نووی، بی‌تا، المجموع، ج ۸، ص ۱۷؛ غنیمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۲).

طبق قول سوم، شخص حائض غسل کرده و محرم می‌شود، لیکن نمی‌تواند طواف نماید (موصلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲؛ ملطی حنفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۶). زیرا از دخول در مسجدالحرام و طواف نهی شده و انجام غسل به دلیل احرام است نه نماز، و فایده‌اش نظافت می‌باشد (عبادی، ۱۳۲۲، ج ۱، ص ۱۶۷).

شافعی یکی از شرایط طواف را طهارت از حدث می‌داند حال در طواف قدوم باشد یا طواف زیارت یا طواف وداع (انصاری، ۲۰۰۹، ج ۷، ص ۳۹۰)؛ بدین ترتیب طواف شخصی که محدث طواف نموده، صحیح نمی‌باشد (نووی، بی‌تا، روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۵۸).

دلایلی که در این مذهب برای شرطیت طهارت در طواف ذکر شده عبارتند از: طواف پیامبر اکرم ﷺ بیان طواف مجملی است که خداوند در قرآن کریم فرموده است: «وَلَيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ».

سخن پیامبر اسلام ﷺ که فرمودند: «لَتَأْخُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ» اقتضای وجوب افعال پیامبر ﷺ را دارد، مگر آن که دلیلی بر عدم وجوبش باشد.

مالکی و حنبله، طهارت را شرط صحت طواف ندانسته (مقدسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۹۰؛ الآبی الازهری، بی‌تا، ص ۳۶۶؛ اصبحی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۱۱) و در قولی از مذهب



حنبل، طهارت از حدث در کودک ممیز و شخص بالغ، شرط صحت طواف است (ابن ضویان، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۶۳).

در این رابطه از ابن عباس نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الطَّوْفُ حَوْلَ الْبَيْتِ مِثْلُ الصَّلَاةِ إِلَّا أَنَّكُمْ تَتَكَلَّمُونَ فِيهِ فَمَنْ تَكَلَّمَ فِيهِ فَلَا يَتَكَلَّمَنِ إِلَّا بِخَيْرٍ»؛ طواف در اطراف خانه کعبه مانند نماز است با این تفاوت که در طواف سخن می گویند. پس کسی که در طواف سخن می گوید نباید جز به خیر سخن بگوید (کوکب عید، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۵۸).

۳. طهارت از خبث در طواف

امامیه و شافعی و گروهی از حنابله، طهارت از خبث را شرط صحت طواف می دانند (حلی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۰۴؛ عاملی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۹۲؛ انصاری، ۲۰۰۹، ج ۷، ص ۳۹۰؛ نووی، بی تا، روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۵۸؛ ابن ضویان، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۶۳) برخلاف مالکیه و نظری از حنابله که آن را شرط ندانسته (مقدسی، بی تا، ج ۳، ص ۳۹۰؛ الآبی الازهری، بی تا، ص ۳۶۶؛ اصبحی، بی تا، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۱۱) حنفیه آن را از سنت می داند (مصری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۷۷).

به فرموده ابن/دریس، طواف در لباس و بدن نجس جایز نیست چه نجاست کم باشد یا زیاد. چه خون باشد یا غیر خون. چه خون کمتر از درهم باشد یا به اندازه درهم یا بیشتر از آن؛ دلیل این سخن، عموم ادله است مگر دلیلی بر تخصیص آن باشد و در اینجا مخصصی نیست و حمل این موضوع بر نماز، از روی قیاس است که قائل به آن نیستیم (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۷۴).

و به عقیده ابن حمزه و ابن جنید، طواف در لباس نجس و با بدن نجس، به دلیل روایت ابن ابی نصر بزنطی (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۴۶۲) مکروه است (حلی، ۱۴۰۸، ص ۱۷۲؛ حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۹۷).

به فرموده آیت‌الله گلپایگانی، بر طواف کننده واجب است بدن و لباسش را از هر نجاستی حتی به احتیاط، نجاست معفو به در نماز مثل خون کمتر از درهم یا خون دمل و جراحت تطهیر کند. اما بر آن که مشقت دارد، طواف در این حالت جایز است و بعید نیست طواف در آنچه نماز در آن تمام نمی‌شود، جایز باشد و به احتیاط پس از طواف خود باید برای طواف، نایب نیز بگیرد (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۱۰۸).

در این باب روایاتی از طریق امامیه وارد شده است:

یونس بن یعقوب به حضرت صادق (ع) عرضه می‌دارد: در لباسم در حال طواف، خون دیدم. فرمودند: «فَاعْرِفِ الْمَوْضِعَ ثُمَّ أَخْرِجْ فَأَغْسِلْهُ ثُمَّ عِدْ فَإِنَّ عَلَى طَوَافِكَ»؛ موضع طواف را به خاطر بسپار و از طواف خارج شو و آن را تطهیر کن، سپس باز گرد و طواف را ادامه بده (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۴۶۲).

ابن ابی نصر از بعضی اصحاب روایت می‌کند که به آن حضرت عرضه داشت: شخصی در لباسی که نماز در مثل آن جایز نیست، خون دید و با آن طواف نمود. حضرت فرمودند: «أَجْزَاهُ الطَّوْفُ ثُمَّ يَنْزِعُهُ وَيُصَلِّي فِي ثَوْبٍ طَاهِرٍ»؛ طواف وی کفایت می‌کند، سپس لباس را از تن خارج کرده و در لباس پاک نماز بگذارد (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۴۶۲).

شیخ حرعاملی می‌فرماید: مراد در روایت فوق، طواف از روی نسیان در لباس نجس است (همان).

در نزد حنفیه، مسأله طهارت از خبث در طواف از سنت است و هرگاه قسمتی از لباس محرم به قدری که ساتر عورت است، پاک و باقی لباس نجس باشد، طواف با این پوشش جایز است و کفاره‌ای بر وی نیست (مصری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۷۷). شافعی یکی از شرایط طواف را طهارت از خبث می‌داند چه در طواف قدوم باشد یا طواف زیارت یا طواف وداع (انصاری، ۲۰۰۹، ج ۷، ص ۳۹۰). بنابراین طواف





شخصی که در حال طواف، بدن یا لباسش آلوده به نجاست غیر معفو^۱ باشد، صحیح نمی‌باشد (نوی، بی‌تا، روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۵۸).

بخاری و مسلم، روایتی از عایشه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بیان نمودند که به شرطیت طهارت در طواف تصریح دارد و حضرت در آن از طواف پیش از غسل نهی نمودند. نهی هم اقتضای فساد در عبادات را دارد (نوی، بی‌تا، المجموع، ج ۸، ص ۱۸).

مالکی و حنبله، طهارت را شرط صحت طواف ندانسته (مقدسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۹۰؛ الآبی الازهری، بی‌تا، ص ۳۶۶؛ اصبحی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۱۱) و در قولی از مذهب حنبلی، طهارت از خبث، شرط صحت طواف است (ابن ضویان، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۶۳) که در آن به حدیث فوق استدلال نمودند (همان).

حالات طواف در حال خبث

در نظر امامیه برای فردی که با وجود نجاست در لباس و بدن، طواف می‌کند، حالات گوناگونی به وجود می‌آید که به تبع آن احکام مختلفی به وجود می‌آید:

حالت اول: آن که با علم به نجاست بر لباس یا بدنش که معفو^۲ به نباشد طواف نماید، موجب بطلان طواف می‌شود که این مورد اتفاق فقهای است که قائل به اعتبار طهارت لباس و بدن طواف کننده هستند (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۹۲؛ حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۷۲).

حالت دوم: به اتفاق فقهای امامیه، طواف کسی که پس از انجام طواف، علم به نجاست پیدا می‌کند، صحیح است (قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۲۱؛ حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۷۴؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۱۰۸).

حالت سوم: بر کسی که در بین طواف، به نجاست علم پیدا می‌کند، ازاله نجاست و اتمام طواف پس از آن لازم است (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۷۴) و اطلاق

عبارت محقق حلی اقتضا می کند که فرقی بین علم پس از اكمال چهار شوط طواف یا پیش از آن نیست.

شهیدین یقین به وجوب استیناف طواف دارند؛ زیرا ازاله نجاست بر قطع طواف متوقف است (قمی، بی تا، ج ۲، ص ۵۲۱) و در نظری اگر تمکن از ازاله نجاست در بین طواف بدون اتیان عمل منافی طواف داشته باشد، این عمل بر وی معین می شود و پس از آن، طواف را ادامه داده و تمام می کند. در صورتی که توانایی ازاله در بین طواف را نداشته و به سه شوط و نیم نرسیده، باید طواف را از ابتدا انجام دهد و در غیر این صورت، بنا بر احتیاط تطهیر کند و طواف را تمام نماید و پس از اقامه نماز طواف، طواف را اعاده کند (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۱۰۸).

حالت چهارم: نجاست بر بدن یا لباس را فراموش کند و پس از طواف به یاد آورد که باید طواف را اعاده نماید (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۷۲؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۱۰۹).

۴. طواف بانوان معذور

زنان حائض، نفساء و مستحاضه موظف به احرام از میقات هستند و عذر موجود، دلیل بر ترک احرام ایشان نمی شود؛ اما آیا ایشان مکلف به ورود به مسجدالحرام و انجام طواف نیز هستند یا باید تا پاکی، رفع عذر و غسل صبر کرده و پس از آن، طواف عمره یا حج خود را به جا آورند؟ آیا در این مسأله تمام این افراد دارای حکم یکسانند یا بر هر کدام تکلیفی بار می شود؟ آیا وقوع حیض در بین طواف، مبطل طواف است یا می توان پس از پاکی، آن را ادامه داد؟



۴. ۱. طواف بانوان حائض و نفساء

زنان معذور از طواف، گاه قبل از طواف خانه کعبه، دچار حیض یا نفاس می‌شوند گاه در بین طواف و نیز گاه زمان برای انجام طواف دارند و گاه زمان کافی برای آن ندارند که احکام هر کدام متفاوت از دیگری است.

به اتفاق فقها در صورتی که پیش از طواف، حائض یا نفساء باشند باید تا پاکی صبر نموده و پس از انجام غسل حیض یا نفاس، طواف خانه کعبه و نماز آن را به جا آورند (فلاح‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۸۰؛ سمرقندی، ۱۴۱۴، ص ۴۱۴؛ سرخسی، ج ۴، ص ۱۷۹؛ شافعی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۷۹؛ بغدادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۸). اما در صورتی که وقت برای اتیان طواف نداشته باشند، در نظر شافعی و مالکی، از مکّه کوچ کرده و سپس به مکّه بازگشته و طواف را اتیان نمایند (نوی، المجموع، ج ۸، ص ۲۵۷؛ کوکب عبید، ج ۱، ص ۳۵۷) یا طبق نظر فقهای امامیه، مالکی، حنفی و حنبلی، عدول به نوعی دیگر از حج می‌کنند (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۲۶؛ موسوی گلپایگانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۰۸؛ نمری قرطبی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۶۶؛ اصبحی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۸) و در نزد امامیه در حالتی که در بین طواف، حائض شوند بسته به تعداد اشواط طواف، طواف را پس از پاکی ادامه داده یا از ابتدا انجام می‌دهند (موسوی خویی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۲۱؛ طباطبایی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۲۸؛ قمی، ۱۴۱۵، ص ۲۶۵؛ حلی، ۱۳۷۱، ص ۳۶۱) که در ادامه به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف. حیض و نفاس پیش از طواف

طبق فرمودهٔ امام خمینی^{ره} اگر مکلف قبل از انجام طواف، حائض گردد باید پس از پاکی، غسل حیض یا نفاس نموده، وضو بگیرد و طواف و نماز طواف را انجام دهد؛ اما در صورتی که نتواند غسل کند به جای آن تیمم بدل از غسل کرده

و وضو می گیرد و اگر نتواند وضو هم بگیرد، به جای وضو نیز تیمم بدل از وضو می کند (فلاح زاده، ۱۳۹۰، ص ۸۰).

به فرموده آیت الله تبریزی، در صورتی که نتواند غسل کند و از توانایی انجام آن مأیوس شود، واجب است با تیمم طواف کند و احتیاط مستحب است که نایب نیز بگیرد (همان).

در مذهب حنفی، زنان با تأخیر طواف زیارت از روز عید قربان و تشریق، به سبب حیض و نفاس، ملزم به پرداخت کفاره نیستند (سمرقندی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۱۴) و بنا به فرموده رسول خدا ﷺ باید تا پاکی صبر کنند، سپس طواف خانه کعبه را به جا آورند (سرخی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۹).

در نظر شافعی، طواف حائض تا پاکی به تأخیر می افتد (شافعی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۷۹).

دلیل این حکم، حدیث عایشه از صحیح مسلم است که پیامبر اکرم ﷺ از همسران صفیه خواستند اعمال حج را آن گونه که مردان انجام می دهند، به جا آورد.

پس به حضرت گفتند که وی حائض است. پیامبر ﷺ فرمودند: «صفیه ما را حبس کرده و نگه می دارد (تا پاک شود و طواف زیارت را اتیان نماید)». گفتند: یا رسول الله! وی روز عید قربان طواف زیارت را به جا آورده. حضرت فرمودند: «پس صفیه با شما کوچ می کند» (نووی، بی تا، المجموع، ج ۸، ص ۲۲۲).

در این مذهب، هرگاه زنی پیش از طواف افاضه حائض گردد، شایسته است در مکه معظمه اقامت نموده تا پاک شده و طواف نماید. مگر این که با اقامت در مکه به تنهایی، متضرر شود که می تواند در حال احرام با دیگران کوچ کرده و سپس به مکه بازگردد و طواف نماید (نووی، بی تا، المجموع، ج ۸، ص ۲۵۷). و در صورتی که کوچ نماید و رجوع به مکه بر وی ممکن نباشد، می تواند همچون محصور، به نیت





تحلل از احرام، ذبح و حلق یا تقصیر نموده و محلّ شود و طواف بر ذمه‌اش می‌ماند تا برگردد و برای انجام این طواف در زمان رجوع به مکه، نیازمند احرام است (بجیرمی شافعی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۰۳).

در فقه حنبلی، زن حائض یا نفساء پس از احرام، تمام مناسک حج از جمله وقوف و مناسک منا را اتیان نموده و طواف و سعی را به‌جا نمی‌آورد تا زمانی که از حیض و نفاس پاک گردد (فوزان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۴۴۷).

از نظر مالکی، زن حائض و نفساء پس از غسل و احرام، منتظر می‌شود تا پاک شده و طواف را به‌جا آورد (بغدادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۸).

در نظر ایشان در صورتی که مسیر رجوع بانویی به محل سکونت وی امن نباشد و نتواند به تنهایی در مکه بماند تا پاک شود و طواف نماید، در حال احرام به محلّ زندگی خود بازگشته و در سال آینده، طواف زیارت را انجام می‌دهد و ممکن است در این حالت (حیض یا نفاس) طواف نموده و شتری را در مکه معظمه قربانی نماید و محلّ گردد و آن که قادر بر ادای ثمن قربانی نباشد، هر زمان که متمکن بر پرداخت آن بود، ثمن را به شخصی می‌پردازد تا به نیابت از وی در مکه قربانی کند (کوکب عبید، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۵۷).

ب. حیض در بین طواف

شخصی که در حین طواف حائض شده دو حالت پیدا می‌کند که در نزد امامیه، احکام متفاوتی دارد. ناگفته نماند که در این موضوع، نظری از فقهای اهل سنت یافت نشد.

حالت اول: آن که از نصف اشواط طواف تجاوز نموده و حائض شده است که در نظر فقهای امامیه باید آن موضع را به خاطر بسپارد و باقی اعمال عمره یا حج را به‌جا آورده و پس از پاکی، بقیه اشواط طواف را از همان موضع ادامه دهد (قمی، ۱۴۱۵، ص ۲۶۵؛ حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۸۷؛ نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۸، ص ۳۹).

شخصی که پس از گذشت از نیمه طواف عمره تمتع حائض گردد، سعی و تقصیر نموده و محرم به حج تمتع می‌شود، وقوف در عرفات و مشعر داشته و باقی مناسک حج را انجام می‌دهد و پس از پاکی، طواف و نماز طواف عمره تمتع و طواف و نماز طواف حج تمتع را به‌جا می‌آورد یا در صورت تعذر، برای انجام طواف و نماز آن نایب می‌گیرد (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۲۶).

در این باره أبابصیر روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ وَهِيَ فِي الطَّوْفِ بِالْبَيْتِ أَوْ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَجَازَتْ النُّصْفَ فَعَلِمَتْ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ فَإِذَا طَهَّرَتْ رَجَعَتْ فَأَتَمَّتْ بَقِيَّةَ طَوَافِهَا مِنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي عَلِمَتْهُ...»؛ هرگاه زنی در حالی که در طواف خانه کعبه یا بین صفا و مروه است و از نصف اشواط طواف تجاوز کرده، حائض شود، باید آن موضع را به خاطر سپرده و پس از پاکی، باقی طواف را از موضعی که می‌داند تمام کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۴۸).

سند این حدیث بنا بر نظر مشهور، ضعیف است (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۹۸) و به قول شیخ طوسی، این حکم مخصوص طواف است و شامل سعی نمی‌شود زیرا در حال حیض یا بدون وضو نیز می‌توان سعی را به‌جا آورد (همان).

به فتوای امام خمینی رحمه الله اگر شخصی بعد از تمام شدن دور چهارم حائض شده و قبل از گذشتن زمان عمره تمتع پاک شود، باید بازگردد و باقی طواف و اعمال عمره را انجام دهد و چنان چه تا زمان وقوف به عرفات پاک نشد، باید سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام داده و محرم به حج تمتع شود، سپس در وقت انجام طواف حج، قبل یا بعد از آن، ادامه طواف عمره تمتع و نماز آن را نیز به‌جا آورد (فلاح زاده، ۱۳۹۰، ص ۸۹).



حالت دوم: آن که قبل از رسیدن به نصف اشواط طواف، حائض شده است که به فتوای فقهای امامیه، این مقدار کالعدم است و پس از پاکی، طواف را از ابتدا انجام می‌دهد (حلی، ۱۳۷۱، ص ۳۶۱؛ حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۲۷؛ قمی، ۱۴۱۵، ص ۲۶۵).

در این رابطه، محمدبن یحیی از احمدبن محمد از افرادی از احمدبن عمر حلال از اباالحسن علیه السلام در خصوص زنی که پنج شوط طواف کرده سپس حائض گردیده، سؤال می‌کند و حضرت می‌فرماید: «إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ وَهِيَ فِي الطَّوْفِ بِالْبَيْتِ أَوْ بِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ جَاوَزَتِ النِّصْفَ، عَلِمَتْ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ الَّذِي بَلَغَتْ، فَإِذَا هِيَ قَطَعَتْ طَوَافَهَا هِيَ أَقَلُّ مِنَ النِّصْفِ فَعَلَيْهَا أَنْ تَسْتَأْنِفَ الطَّوْفَ مِنْ أَوَّلِهِ»؛ هرگاه زنی در حالی که در طواف خانه یا در صفا و مروه است و از نصف گذشته حائض گردید، آن موضع را بداند و اگر طوافش را قبل از نصف قطع نموده، باید طواف را از ابتدا شروع کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۴۹).

این روایت، مرسل است (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۹۹).

البته روایت دیگری نیز در این مسأله موجود است:

حریر از محمدبن مسلم روایت کرده که از امام صادق علیه السلام درباره زنی که سه شوط یا کمتر از طواف را انجام داده و پس از آن خونی دیده، سؤال نمودم. حضرت فرمودند: «همان جایی را که طوافش به آن منتهی شده به خاطر می‌سپارد، پس چون پاک شود از همان جا طواف را ادامه می‌دهد و طواف گذشته را به حساب می‌آورد» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۵۰۱).

همچنین علاء از محمدبن مسلم از یکی از امامین صادقین علیه السلام نیز نظیر این خبر را روایت نموده است (همان) و شیخ صدوق آن را رخصت و رحمتی دانسته و علامه مجلسی این حدیث را حمل بر طواف نافله کرده است (همان).

صاحب عروه و امام خمینی علیه السلام فرمودند: «اگر قبل از دور چهارم طواف عمره تمتع حائض شود باید فوراً از مسجد خارج گردد و در صورتی که پیش از اتمام وقت عمره تمتع پاک گردد، پس از غسل، طواف را اعاده نموده و باقی اعمال را به جا آورد و چنان چه تا آخر وقت پاک نشود باید به حج افراد عدول کند» (طباطبایی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۲۸؛ فلاح زاده، ۱۳۹۰، ص ۸۸).

۴. ۲. طواف بانوان مستحاضه

در نزد امامیه، شخص مستحاضه پس از انجام واجبات استحاضه اعم از غسل، وضو و طهارت بدن، تمام اعمال حج و عمره از جمله طواف و نماز طواف را به جا می آورد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۳۱؛ دیلمی، ۱۴۰۴، ص ۱۲۳).

حنابله و شافعی نیز استحاضه را مانع مناسک حج نمی بینند و از نظر آنان مستحاضه پس از وضو، می تواند طواف و سعی را به جا آورد (هاشمی بغدادی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۶۵؛ اسنوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۱۳) برخلاف مالک که استحاضه را موجب نقض وضو نمی داند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۴۹؛ ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۷۷).

به فتوای صاحب الجامع للشرایع بانوی مستحاضه پس از انجام واجبات استحاضه می تواند تمام اعمال حج از جمله طواف و نماز آن را به جا آورد (حلی، ۱۴۰۵، ص ۲۲۲).

در این خصوص از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «المُسْتَحَاضَةُ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ تَصَلِّي وَ لَا تَدْخُلُ الْكَعْبَةَ»؛ زن مستحاضه طواف خانه کعبه را انجام می دهد و نماز می خواند اما داخل کعبه نمی شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۴۹).

این حدیث از جهت سند، ضعیف است و دلالت بر کراهت ورود مستحاضه در کعبه می کند (مجلسی، بی تا، ج ۱۸، ص ۱۰۰).



به فتوای شیخ طوسی بر شخص مستحاضه لازم است برای هر نماز فریضه وضو بگیرد و دو نماز واجب را با یک وضو جمع نکند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۴۹).

به فرموده شهید اول، تیمم در صورت تعذر مستحاضه از طهارت مائیه (وضو) کفایت می کند (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۹۲).

به فرموده امام خمینی علیه السلام مستحاضه کثیره باید برای طواف، یک غسل و برای نماز طواف، غسلی دیگر انجام دهد مگر از زمان غسل برای طواف تا آخر نماز، خون قطع شده باشد (محمودی، ۱۴۲۹، ص ۳۴۸).

و نظر امام خمینی علیه السلام در خصوص ورود مستحاضه به مسجدالحرام این است: «مستحاضه قلیله می تواند طواف مستحبی انجام دهد و عمل به دستوری که برای طواف گفته شد لازم نیست (فلاح زاده، ۱۳۹۰، ص ۹۵) اما احتیاط مستحب است برای وارد شدن به مسجدالحرام غسل نماید» (موسوی خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۵۷).

محققین صافی و گلپایگانی در این باره فرموده اند: «مستحاضه بدون به جا آوردن غسل هایی که بر او لازم است، بنا بر احتیاط نمی تواند وارد مسجد شود» (فلاح زاده، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

گفتنی است خون استحاضه در بین طواف در نظر امامیه، ناقض وضو بوده که بسته به تعداد شوطی که انجام داده، باید طواف را اعاده یا پس از وضو و طهارت ادامه دهد.

طبق فرموده امام خمینی علیه السلام اگر زنی در حال طواف و پس از تمام شدن دور چهارم، مستحاضه قلیله شود، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند و پیش از آن، به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، طواف را اتمام و سپس اعاده نماید (محمودی، ۱۴۲۹، ص ۳۵۰).

آیت الله مکارم وظیفه مستحاضه قبل از اتمام دور چهارم را طهارت و اعاده طواف می داند (همان).

در مذهب شافعی، خون استحاضه موجب نقض وضو شده (سنوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۱۳) و با یک طهارت بین دو فریضه جمع نمی‌کند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۴۹) و دلیل مالک را رد می‌کند و بیان می‌دارد: مستحاضه محدث است و نماز از وی به دلیل ضرورت کفایت می‌کند (ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۷۷).

فقه حنبلی، استحاضه را مانع اتیان مناسک حج نمی‌بیند و بر آن است که مستحاضه باید طواف و سعی را پس از وضو به‌جا آورد، همچنان که شخص مسلوس این گونه عمل نموده و نماز می‌خواند (هاشمی بغدادی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۶۵). طبق این مذهب، خون استحاضه ناقض وضو است اما با وضو می‌توان عبادات از جمله طواف و نماز را به‌جا آورد.

ترمذی در حدیث صحیحی از عایشه نقل می‌کند که فاطمه بنت‌ابی حبیش نزد رسول خدا ﷺ آمده و عرض کرد: یا رسول‌الله! من زنی مستحاضه هستم که پاک نمی‌شوم. آیا باید نماز را رها کنم؟ حضرت فرمودند: «لا، إِنَّمَا ذَاكَ دَمٌ عَرِقٌ وَ لَيْسَتْ بِالْحَيْضَةِ. فَإِذَا أَقْبَلْتَ الْحَيْضَةَ فَدَعِيَ الصَّلَاةَ وَ إِذَا أَدْبَرْتَ فَاغْسِلِي عَنكَ الدَّمَ وَ تَوَضَّئِي لِكُلِّ صَلَاةٍ حَتَّى يَجِيءَ ذَلِكَ الْوَقْتُ»؛ خیر، این خون رگ است و حیض نمی‌باشد. پس هرگاه حائض شدی نماز را رها کن و پس از اتمام آن، غسل کن و تا زمانی که استحاضه‌ای، برای هر نماز وضو بگیر (حرانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۹۱).

همچنین ابو‌دود و نسائی از "عروه" نقل می‌کنند که پیامبر اکرم ﷺ به فاطمه بنت‌ابی حبیش فرمودند: «إِذَا كَانَ دَمُ الْحَيْضِ فَإِنَّهُ أَسْوَدَ يُعْرَفُ، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأَمْسِكِي عَنِ الصَّلَاةِ، فَإِذَا كَانَ الْآخِرُ فَتَوَضَّئِي وَ صَلَّى فَإِنَّمَا هُوَ دَمٌ عَرِقٌ»؛ اگر خون حیض باشد که سیاه است و شناخته می‌شود. در صورتی که این گونه بود از نماز خودداری کن و اگر غیر این بود وضو بگیر و نماز بخوان که آن خون رگ است (همان).

مالک، خون استحاضه را که به صورت نادر خارج می شود، موجب بطلان وضو نمی داند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۴۹) و به روایتی از رسول خدا ﷺ استناد می کند که حضرت به زن مستحاضه ای فرمودند: «صَلَّى وَلَوْ قَطَرَ الدَّمُ عَلَى الْحَصِيرِ قَطْرًا»؛ نماز بخوان هر چند قطره قطره بر بوریا بریزد (ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۷۷).

و در کتاب "المدونة الكبرى" بیان نمود: نزد من محبوب است که مستحاضه برای هر نماز وضو بگیرد (اصبحی، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۰).

۵. طواف مبطون و مسلوس

برخی افراد به دلیل بیماری، توان حفظ طهارت و جلوگیری از ریزش ادرار، مدفوع و خروج باد از معده را ندارند و در انجام طواف و نماز آن، دچار مشکل می شوند. این اشخاص که مسلوس و مبطون نامیده می شوند، در نظر برخی از فقهای امامیه، ملزمند جهت انجام طواف و نماز طواف، نایب بگیرند (حلی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷۲؛ اصفهانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۳۳؛ موسوی گلپایگانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۶۹).

طبق این نظر، آنان باید منتظر بمانند تا در فرصت مناسب و در صورت بهبودی، خود طواف کنند و در صورت نبود چنین شرایطی، برای طواف نایب گرفته و خود نماز طواف را اقامه کنند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۸؛ حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۷۳) و در دیدگاهی از ایشان در صورت عدم قدرت بر حفظ طهارت، یک وضو برای طواف و وضویی دیگر برای نماز طواف کافی است (محمودی، ۱۴۲۹، ص ۲۸۵).

این افراد در نظر حنابله و شافعی و نظری از مالکیه، باید برای هر عمل عبادی وضو بگیرند (ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۷۶؛ فیروز آبادی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۳؛ هاشمی بغدادی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۶۵؛ قرطبی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۷۳ و ۱۹۷) و در دیدگاه مالک، این موارد موجب نقض وضو نمی گردد (ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۷۶).

محقق حلی در این باره فرمود: شخصی که قادر بر حفظ طهارت نیست مثل مبطل که نمی‌تواند از خروج مدفوع و باد از معده جلوگیری نماید، برای طواف و نماز آن نایب می‌گیرد (حلی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۷۲).

آیت‌الله بهجت در خصوص مبطل و مسلول فرمود: کسی که معذور از طهارت تمام است، مانند کسی که در دست یا پایش شکستگی و زخمی است که پانسمان شده و کسی که مرضی دارد که بولش قطره قطره می‌ریزد، به همان دستوری که برای نماز طهارت می‌گیرد، برای طواف نیز طهارت می‌گیرد و اما مبطل باید برای طواف نایب بگیرد (بهجت، ۱۴۱۵، ص ۱۰۶).

به فتوای محققین صافی و گلپایگانی، مبطل باید برای طواف نایب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند (محمودی، ۱۴۲۹، ص ۲۸۵؛ موسوی گلپایگانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۶۹).

دلیل این حکم، روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «الْكَبِيرُ يُحْمَلُ وَ يُطَافُ بِهِ وَ الْمَبْطُونُ يَرْمِي عَنْهُ وَ يُطَافُ عَنْهُ»؛ شخص پیر حمل می‌گردد و طواف داده می‌شود و از طرف مبطل، رمی و طواف می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۴۵۹).

شیخ حر عاملی روایت دیگری نیز با مضمونی نزدیک به روایت فوق، از معاویه بن عمار از آن امام بزرگوار علیه السلام نقل کرده که فرمودند: «الْكَبِيرُ يُحْمَلُ فَيُطَافُ بِهِ وَ الْمَبْطُونُ يَرْمِي وَ يُطَافُ عَنْهُ وَ يُصَلِّي عَنْهُ»؛ به نیابت از فردی که امکان طهارت ندارد طواف شده و نماز طواف خوانده می‌شود (همان).

شیخ طوسی و ابن ادریس (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۸) معتقدند کسی که به دلیل بیماری قادر بر حفظ طهارت نیست، باید منتظر بماند. پس اگر بهبود یافت خودش طواف کند. در غیر این صورت شخصی به نیابت از وی طواف می‌کند و دو رکعت



نماز طواف را شخص محرم می‌خواند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۸؛ حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۷۳).

همچنین ایشان معتقد است مسلوس باید برای هر نماز واجب تجدید وضو نموده و جمع بین دو نماز با یک وضو جایز نمی‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۴۹).

امام خمینی علیه السلام در مورد این اشخاص فرمود: افرادی که مبتلا به خروج مدفوع و یا بول هستند با رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارند، حجتشان صحیح است. کسی که پی‌درپی از او ریح خارج می‌شود، حکم مبطلون را دارد و چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد، اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است. ولی اگر بتواند - ولو با حمل آب در اثنای طواف - وضو بگیرد، واجب است تجدید وضو نماید و حکم نماز طواف نیز این چنین است. کسی که بول او پی‌درپی خارج می‌شود - ولو از مجرای بول نباشد - حکم مسلوس را دارد (محمودی، ۱۴۲۹، ص ۲۸۵) همانند کسی که عمل جراحی نموده و بول او قطره قطره از پهلوی در کیسه‌ای می‌ریزد (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۰).

طبق فرموده ایشان اگر مسلوس در وقت خاصی بتواند طواف و نماز را با وضو به‌جا آورد، باید آن زمان را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک اتیان کند. اگر چنین وقتی ندارد و مشقت نداشته برای هر بار که حدث از او صادر شود یک وضو بگیرد و در صورت مشقت برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد (محمودی، ۱۴۲۹، ص ۲۸۶).

آیت‌الله سیستانی در مورد مبطلون فرمود: «در فرض مذکور یک وضو برای طواف و نماز کافی است مگر این که حدثی غیر از آنچه مستند به بیماری اوست از او سر بزند» (همان).

شافعی ریزش بول از مسلوس را موجب نقض وضو قلمداد کرده (ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۷۶؛ إسنوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۱۳) همچون مستحاضه که باید برای هر نماز وضو بگیرد و سپس بدون وقفه نماز بخواند (فیروز آبادی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۳).
در فقه حنبلی شخص مسلوس باید برای هر نماز وضو بگیرد (هاشمی بغدادی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۶۵) زیرا بول، موجب نقض و بطلان وضو است (حرانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۹۰).

در نظر مالک، چیزی که از مخرج بول و غائط خارج می شود بر دو قسم است: معتاد که به صورت معمول از انسان خارج می گردد. مانند بول، غائط، باد معده و خون حیض و آنچه به صورت نادر از انسان خارج می شود همچون مذی، ودی، سنگ مثانه، سلس بول و خون استحاضه.

و آنچه نادر از انسان خارج می گردد موجب بطلان وضو نمی شود (ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۷۶)؛ در نظری از مالکی باید برای هر نماز باید وضو بگیرد (قرطبی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۷۳) و در خصوص مبطونی که قادر بر وضو نیست، اشکالی نیست که تیمم نماید (همان، ص ۱۹۷).

۶. قطع طواف

گاه شخص در حین طواف، آن را به سبب ایجاد حدث قطع می کند. باید دانست در این صورت تکلیف چیست؟ آیا قطع طواف موجب بطلان طواف است و باید آن را پس از طهارت، از ابتدا آغاز کند یا می تواند طواف را ادامه دهد؟
طبق نظر امامیه، قطع طواف به غیر ضرورت، موجب بطلان طواف و به دلیل ایجاد حدث، پیش از شوط چهارم مبطل طواف است (امینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱۳؛ حلبی، ۱۴۰۸، ص ۱۷۳).



حنفیه وظیفه فردی که طواف را قطع می کند، ادامه طواف پس از رجوع می داند (شیبانی، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۳) و در نظر حنابله و مالکی، قطع طواف به هر دلیلی موجب بطلان طواف می شود (حجاوی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۲؛ الآبی الازهری، بی تا، ص ۳۶۷؛ دسوقی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲).

علامه حلی در این باره می فرماید: اگر به سبب ایجاد حدث، طواف را قطع نماید و از نصف اشواط گذشته باشد، پس از رفع عذر باقی اشواط را به جا می آورد و در صورتی که به منزلش بازگشت، نایب به نیابت از وی، طواف را تمام می کند؛ لیکن در صورتی که طواف را قبل از انجام نصف اشواط به هم زند، پس از رفع عذر از ابتدا طواف را به جا می آورد (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۲۶).

به رأی شیخ طوسی، طواف نافله را در هر جایی قطع کند، پس از رجوع ادامه می دهد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۸).

دلیل این احکام، روایاتی از جمله روایت أبان بن تغلب از امام صادق علیه السلام است که به فرموده علامه مجلسی، از حیث سندی حسن است (مجلسی، ج ۱۸، ص ۳۲) و حضرت، درباره شخصی که یک یا دو شوط طواف نموده و سپس جهت رفع نیازی به همراه دیگری از طواف خارج شده، فرمودند: «إِنْ كَانَ طَوَافُ نَافِلَةٍ بَنَى عَلَيْهِ وَ إِنْ كَانَ طَوَافُ فَرِيضَةٍ لَمْ يَبْنِ عَلَيْهِ»؛ اگر طواف نافله بوده ادامه می دهد و در صورتی که طواف واجب بوده آن را ادامه نمی دهد (باید طواف را از ابتدا شروع کند) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۱۳).

و نیز در روایت حسن (مجلسی، بی تا، ج ۱۸، ص ۳۳) ابن ابی عمیر از یکی از امامین صادقین علیه السلام درباره شخصی که در حین طواف واجب، محدث شده پرسید. حضرت فرمودند: «يَخْرُجُ فَيَتَوَضَّأُ فَإِنْ كَانَ جَازَ النُّصْفَ بَنَى عَلَى طَوَافِهِ وَ إِنْ كَانَ أَقْلَ مِنْ النُّصْفِ أَعَادَ الطَّوْفَ»؛ از طواف خارج می شود سپس وضو می گیرد. پس اگر از

نصف اشواط طواف گذشته، طواف را ادامه می‌دهد و اگر کمتر از نصف اشواط را به‌جا آورده باید طواف را اعاده نماید (همان؛ حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۴۴۶).
در نظر حنفی، آن که به دلیلی همچون تجدید وضو از طواف خارج شود، پس از رجوع، طواف خود را ادامه می‌دهد (شیبانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۰۳).
در مذهب شافعی، در موردی که طواف را به سبب حدث، پیش از رسیدن به حجرالاسود و کامل شدن شوط قطع نماید، دو دیدگاه وجود دارد:
در قولی از آن جهت که هر شوط حکم خود را دارد، آن شوط را از ابتدا شروع می‌کند.

طبق قول دوم که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، آنچه را انجام داده ادامه می‌دهد؛ زیرا فرقی بین یک شوط و اشواط نیست (رویانی، ۲۰۰۹، ج ۳، ص ۴۸۵) و در صورتی که در بین طواف بیهوش شود، پس از بهبود وضو گرفته و طواف را از ابتدا شروع می‌کند. زیرا به سبب اغماء، تکلیف از شخص زایل شده و حکم به ادامه طواف نیز زایل می‌گردد (همان، ص ۴۸۶).

در فقه حنبلی به دلیل اعتبار موالات، طوافی که به سبب سهو یا عذر یا ایجاد حدث قطع شود، باطل است (حجاوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۲).
مالکی، قطع طواف را بدون عذر جایز نمی‌داند. در این صورت باید پس از رجوع، طواف را از ابتدا شروع کند (دسوقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲)؛ همچنین طبق قول مشهور ایشان، هرگاه در بین طواف، حدثی سرزند، باید تطهیر نموده و از ابتدا طواف را آغاز نماید (الآبی الازهری، بی‌تا، ص ۳۶۷).

نتیجه

در مسأله وجوب طهارت در طواف، نظرات متعددی بین فقهای مذاهب مطرح است، در نزد امامیه، شافعی و قولی از حنابله، طهارت از شرایط صحت طواف است، برخلاف نظر مالکی و دیدگاهی از حنابله که طواف بدون طهارت را صحیح می‌دانند. همچنین فقهای حنفیه، طهارت از حدث در حال طواف را شرط کمال طواف قلمداد می‌کنند.

به اتفاق فقهای مذاهب خمس در صورتی که حج گزار پیش از طواف، حائض یا نفساء باشد، باید تا پاکی صبر نموده و پس از انجام غسل حیض یا نفاس، طواف خانه کعبه و نماز آن را به جا آورد؛ اما در صورتی که وقت برای اتیان طواف نداشته باشد، در نظر شافعی و مالکی، از مکه کوچ کرده و سپس به مکه بازگشته و طواف را اتیان می‌کند یا طبق نظر فقهای امامیه، مالکی، حنفی و حنبلی، عدول به نوعی دیگر از حج می‌نماید. در نزد امامیه در حالتی که بین طواف، حائض شود بسته به تعداد اشواط طواف، طواف را پس از پاکی ادامه داده یا از ابتدا انجام می‌دهد.

در نزد امامیه، شخص مستحاضه پس از انجام واجبات استحاضه اعم از غسل، وضو و طهارت بدن، تمام اعمال حج و عمره از جمله طواف و نماز طواف را به جا می‌آورد. حنابله و شافعی نیز استحاضه را مانع مناسک حج نمی‌بینند و از نظر آنان مستحاضه پس از وضو، می‌تواند طواف و سعی را به جا آورد، برخلاف مالک که استحاضه را موجب نقض وضو نمی‌داند.

شخص مبطون و مسلوس در نظر برخی از فقهای امامیه، ملزم است جهت انجام طواف و نماز طواف، نایب بگیرد.

طبق این نظر، وی باید منتظر بماند تا در فرصت مناسب و در صورت بهبودی، خود طواف کند و در صورت نبود چنین شرایطی، برای طواف نایب گرفته و نماز طواف را خود اقامه کند، و در دیدگاهی از ایشان در صورت عدم قدرت بر حفظ طهارت، یک وضو برای طواف و وضویی دیگر برای نماز طواف کافی است. این افراد در نظر حنابله، شافعی و نظری از مالکیه، باید برای هر عمل عبادی وضو بگیرند و در دیدگاه مالک، این موارد موجب نقض وضو نمی گردد.



منابع

* قرآن كريم.

١. ابن ضويان؛ **منار السبيل في شرح الدليل**، بي جا، المكتب الاسلامي، ١٤٠٩.
٢. إسنوى، جمال الدين عبدالرحيم؛ **المهمات في شرح الروضة و الرافي**، مغرب - بيروت، الدار البيضاء، دار ابن حزم، ١٤٣٠.
٣. أصبحي، مالك بن انس؛ **المدونة الكبرى**، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بي تا.
٤.؛ **الموطأ**، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٦.
٥. اميني، علي رضا، آيتي، سيد محمدرضا؛ **تحرير الروضة في شرح اللمعة**، تهران، نشر سمت، ١٣٨٣.
٦. انصاري خزرجي، جمال الدين؛ **اللباب في الجمع بين السنة و الكتاب**، دمشق و بيروت، دار القلم و دار الشامية، ١٤١٤.
٧. انصاري، احمد؛ **كفاية النبيه في شرح التنبيه**، بيروت، دار الكتب العلمية، ٢٠٠٩م.
٨. الآبي الازهرى؛ **الثمر الداني**، بيروت، المكتبة الثقافية، بي تا.
٩. بجيرمي شافعي، سليمان بن محمد؛ **تحفة الحبيب على شرح الخطيب**، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٧.
١٠. بغدادى، عبدالرحمن؛ **ارشاد السالك**، بي جا، الشركة الإفريقية للطباعة، بي تا.
١١. بهاء الدين محمد (فاضل هندی)؛ **كشف اللثام**، قم، مكتبة آية العظمى مرعشى نجفى، ١٤٠٥.
١٢. بهجت، محمد تقى؛ **مناسك حج**، بي جا، چاپخانه مهديه، ١٤١٥.
١٣. حجاوى، موسى بن احمد؛ **الإقناع في فقه الامام احمد بن حنبل**، بيروت، دار المعرفة، بي تا.
١٤. حر عاملي، محمد بن حسن؛ **وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة**، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٣.

١٥. حرانى، ابن تيميه؛ شرح العمدة فى الفقه، كتاب الطهارة، رياض، مكتبة العيكان، ١٤١٢.
١٦. حلبى، ابن حمزه؛ الوسيله، قم، مكتبة آية العظمى مرعى نجفى، ١٤٠٨.
١٧. حلبى، ابوالصلاح؛ الكافى فى الفقه، اصفهان، مكتبة الامام اميرالمؤمنين على عليه السلام العامة، بى تا.
١٨. حلبى، ابن ادريس؛ السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٠.
١٩. حلبى، ابن فهد، المذهب البارع، قم، مؤسسه نشر اسلامى، ١٤١١.
٢٠. حلبى، حسن بن يوسف (علامه حلبى)؛ تحرير الأحكام، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٤٢٠.
٢١.؛ ارشاد الأذهان، قم، مؤسسه نشر اسلامى، ١٤١٠.
٢٢.؛ مختلف الشيعه، قم، مؤسسه نشر اسلامى، ١٤١٣.
٢٣. حلبى، نجم الدين (محقق حلبى)؛ الرسائل التسع، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعى، ١٣٧١.
٢٤.؛ المعتبر، قم، مؤسسه سيد الشهداء، بى تا.
٢٥. حلبى، يحيى بن سعيد؛ الجامع للشرايع، قم، مؤسسه سيد الشهداء، ١٤٠٥.
٢٦. دسوقى، شمس الدين؛ حاشية الدسوقى على الشرح الكبير، بى جا، دار احياء الكتب العربية، بى تا.
٢٧. ديلمى، سلا؛ المراسم العلوية و الاحكام النبوية فى الفقه الإمامى، قم، منشورات الحرمين، ١٤٠٤.
٢٨. رويانى، ابوالمحاسن؛ بحر المذهب، بى جا، دارالكتب العلمية، ٢٠٠٩ م.
٢٩. سرخسى، شمس الدين؛ المبسوط، بيروت، دارالمعرفة، بى تا.
٣٠. سعدى، ابو حبيب؛ القاموس الفقهي، دمشق، دارالفكر، ١٤٠٨.

۳۱. سمرقندی، علاءالدین؛ تحفة الفقهاء، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴.
۳۲. شافعی، محمد بن ادريس؛ الأم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳.
۳۳. شیبانی، محمد بن حسن؛ الأصل المعروف بالمبسوط، کراچی، ادارة القرآن و العلوم الاسلامیة، بی تا.
۳۴. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم؛ العروة الوثقی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۰.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن؛ الاستبصار، تهران، دارالکتب الاسلامیة، بی تا.
۳۶.؛ الخلاف، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷.
۳۷.؛ المبسوط، تهران، المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۷.
۳۸. عاملی، شمس الدین محمد (شهید اول)؛ الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۷.
۳۹. عبادی زبیدی، ابوبکر؛ الجوهرة النيرة علی مختصر القدوری، بی جا، المطبعة الخیرية، ۱۳۲۲.
۴۰. غنیمی دمشقی میدانی، عبد الغنی؛ اللباب فی شرح الكتاب، بی جا، دار الكتاب العربی، بی تا.
۴۱. فلاح زاده، محمد حسین؛ مناسک حج (ویژه بانوان)، تهران، نشر مشعر، ۱۳۹۰.
۴۲. فیروز آبادی شیرازی، ابراهیم بن علی؛ التنبيه فی الفقه الشافعی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳.
۴۳. فیومی، احمد؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، منشورات دارالرضی، بی تا.
۴۴. قرطبی، محمد؛ البیان و التحصیل و الشرح و التوجيه و التعلیل لمسائل المستخرجه، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۸.
۴۵. قمی، ابی جعفر (شیخ صدوق)؛ من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.

۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الكافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۴۷. کوبک عید؛ **فقه العبادات علی المذهب المالکی**، دمشق، مطبعة الإنشاء، ۱۴۰۶.
۴۸. ماوردی، علی بن محمد؛ **الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹.
۴۹. مجلسی، محمد باقر؛ **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول**، نرم افزار مکتبه شامله.
۵۰. محمودی، محمد رضا؛ **مناسک حج (محشی)**، تهران، نشر مشعر، ۱۴۲۹.
۵۱. مصری، زین الدین بن نجم؛ **البحر الرائق**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
۵۲. مقدسی، ابن قدامه؛ **المغنی**، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۵۳. ملطی حنفی، ابوالمحاسن؛ **المختصر من المختصر من مشکل الآثار**، بیروت، نشر عالم الکتب، بی تا.
۵۴. موسوی خمینی، سید روح الله؛ **مناسک حج**، بی جا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰.
۵۵.؛ **تحریر الوسیله**، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۵.
۵۶. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ **کتاب الحج**، قم، نشر لطفی، ۱۳۶۴.
۵۷. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا؛ **مجمع المسائل**، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۲.
۵۸.؛ **مناسک الحج**، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳.
۵۹. موصلی، عبدالله؛ **الاختیار لتعلیل المختار**، نرم افزار مکتب شامله.
۶۰. نجفی، محمد حسن؛ **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۶۱. نمری قرطبی، یوسف بن عبدالله؛ **الاستذکار**، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

٦٢. نووى، محيى الدين؛ **المجموع**، بيروت، دارالفكر، بى تا.
٦٣.؛ **روضة الطالبين**، بيروت، دارالكتب العلميه، بى تا.
٦٤. هاشمى بغدادى، محمد بن احمد؛ **الإرشاد الى سبيل الرشاد**، مؤسسه الرساله، ١٤١٩.